

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۰۲/۲۳
تاریخ بررسی مقاله: ۸۸/۱۱/۰۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۰۲/۱۱

مجله دست آوردهای روان‌شناختی
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۸۹
دوره چهارم، سال ۱۷-۳، شماره ۱
صص: ۱۱۸-۱۰۳

مقایسه‌ی هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان نابینا و بینا

محمد نریمانی *

عباس ابوالقاسمی **

اسماعیل سلیمانی ***

چکیده

تحقیق حاضر به منظور مقایسه مؤلفه‌های هوش هیجانی در دانش‌آموزان نابینا و بینا انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان نابینا و بینای پسر و دختر در دامنه‌ی سنی ۱۳-۲۰ ساله بود که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل در مدارس راهنمایی و دبیرستان شهر اردبیل بودند. تعداد ۶۰ نفر (۳۰ پسر و ۳۰ دختر) نابینا و ۶۰ نفر (۳۰ پسر و ۳۰ دختر) بینا از میان دانش‌آموزان انتخاب شدند. پرسشنامه‌ی هوش هیجانی بار-آن به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها به صورت انفرادی و در محل آموزشگاه بر روی آنها اجرا شد. ضمن آن که روش تحقیق مطالعه‌ی حاضر با توجه به موضوع آن، از نوع علی-مقایسه‌ی بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شده است. نتیجه‌ی مطالعه نشان داد که بین دانش‌آموزان نابینا و بینا در مؤلفه‌های همدلی، عزت نفس، کنترل تکانه، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، تحمل فشار روانی، خوش‌بینی، شادکامی، خودابرازی، واقع‌گرایی، خودشکوفایی و استقلال هوش هیجانی تفاوت معنی‌دار وجود دارد ولی در مؤلفه‌های حل مسأله، روابط بین فردی و خودآگاهی هیجانی تفاوت معنی‌دار نبود.

کلید واژگان: هوش هیجانی، دانش‌آموزان، نابینا

Narimai@uma.ac.ir
abolgasemi@uma.ac.ir
Soleymany.psy@gmail.com

* استاد دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)
** دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی
*** کارشناسی ارشد روان‌شناسی

مقدمه

بدون بینایی ادراک ما از خودمان و از افراد پیرامونمان بسیار متفاوت خواهد بود. این ادراک متفاوت ممکن است در افراد مبتلا به اختلال بینایی که یک دهم درصد کودکان استثنایی را شامل می‌شوند، سبب بروز مشکلات عاطفی و اجتماعی شود (بیرد، میفیلد و بارکر^۱، ۱۹۹۷). کودکی که نابینای مادرزاد است، به روش خودش از جهان تجربه حاصل می‌کند و این تجربه با تجربه‌ی بیشتر کودکان تفاوت دارد. او نیز باید از عهده‌ی مشکلات خاص خود برآید. بنابراین شخصیت او از این تفاوت‌ها متأثر می‌شود. به علت نقصی که فرد نابینا دارد احتمالاً تحت فشار عصبی قرار گرفته و احساس عدم امنیت و ناکامی را در خود پرورش می‌دهد (کروکشنک^۲، ۱۹۷۱). همین وضعیت ممکن است هوش هیجانی را در افراد نابینا تحت تأثیر قرار دهد.

هوش هیجانی^۳ توانایی درک، توصیف، دریافت و کنترل هیجان است. هر شخصی با برخورداری از هوش هیجانی در مواجهه با وقایع مثبت و منفی زندگی به موضع‌گیری پرداخته و به سازش با آنها می‌پردازد. انسان با برخورداری از هوش هیجانی به زندگی نظم و ثبات می‌بخشد، به طوری که اصولاً با هوش هیجانی بالا، شخص وقایع منفی کمتری را در زندگی تجربه می‌کند (گلمن^۴، ۱۹۹۵). به عنوان مثال پتریدز، فریدریکسون و فارنهام^۵ (۲۰۰۴) در پژوهش خود دریافتند دانش‌آموزانی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند، رفتارهای انحرافی، گریز از مدرسه و اخراج از مدرسه در آنها کمتر دیده می‌شود. همچنین هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه‌ی ارتباط میان تفکر و هیجان است. توانایی پیش‌بینی موفقیت‌های زندگی و نقش هوش هیجانی در بیشتر اختلالات روانی، و دو نوع مفهوم صفتی و توانشی از هوش هیجانی (پتریدز و همکاران، ۲۰۰۴)، بر گستره‌ی پژوهش‌های مربوط به هوش هیجانی افزوده است. به اعتقاد بار-ان^۶ (۱۹۹۹) هوش هیجانی مجموعه‌ی از قابلیت‌ها، توانایی‌ها و

- 1- Baird, Mayfield, & Barker
- 2- Cruickshank
- 3- emotional intelligence
- 4- Goleman
- 5- Petrides, Frederickson, & Furnham
- 6- Bar-on

مهارت‌ها است که فرد را برای سازگاری با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می‌کند و نوعی ظرفیت ادراک، بیان، فهم، کاربرد و مدیریت هیجان‌های خود و دیگران است (مایر، سالووی، کاروسو و سیتانیوس^۱، ۲۰۰۱). به عقیده بار-آن (۱۹۹۷) هوش هیجانی دارای پنج حیطه‌ی گسترده از مهارت‌ها یا توانایی‌هایی است که عبارتند از: ۱- مؤلفه‌ی درون فردی^۲، ۲- مؤلفه‌ی میان فردی^۳، ۳- مؤلفه‌ی سازگاری^۴، ۴- مؤلفه‌ی مدیریت استرس^۵ و ۵- مؤلفه‌ی خلق عمومی^۶.

پژوهشگران مختلف بیان داشته‌اند که هوش هیجانی بر سلامت حافظه و نیروی عقل، ادراک، معنابخشی تجربه‌ها، داوری صحیح، تصمیم‌گیری مناسب و رشد روانی-اجتماعی فرد تأثیر چشم‌گیری دارد (ریسو^۷، ۱۹۹۵؛ به نقل از تهامی، علیایی زند و یوسفی لویه، ۱۳۸۱؛ کاجوب^۸، ۲۰۰۳). پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد افرادی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند، قدرت بیشتری برای سازگاری با مسائل جدید و روزانه (هیلگر و هینگستمن^۹، ۲۰۰۰، به نقل از سوبرگ^{۱۰}، ۲۰۰۱) رشد شغلی و حرفه‌ی (سوبرگ، ۲۰۰۱؛ بویاتزیز^{۱۱}، ۲۰۰۲؛ وونگ و لاو^{۱۲}، ۲۰۰۲) و رهبری (وونگ و لاو، ۲۰۰۲) دارند. همچنین هماهنگ نمودن احساسات مختلف، شناسایی این احساسات و عمل آنها بر مغز و رفتار (پلاتو^{۱۳}، ۲۰۰۳) همبستگی دارد. در مقابل، هوش هیجانی پایین با رفتارهای مسأله‌ساز درونی^{۱۴}، سطوح پایین همدلی و ناتوانی در تنظیم خلق و خو (کیاروچی^{۱۵} و همکاران، ۲۰۰۰، به نقل از کاجوب، ۲۰۰۳)،

- 1- Mayer, Salovay, Caruso, Sitarenios
- 2- interpersonal component
- 3- intrapersonal component
- 4- adaptability component
- 5- stress Management component
- 6- general mood component
- 7- Rieve
- 8- Kaschub
- 9- Hieliger & Hingestman
- 10- Sjoberg
- 11- Boyatzzis
- 12- Wong & Low
- 13- Plato
- 14- internal problematic behaviors
- 15- Ciarrochi

افسرده‌خویی^۱ (پارکر^۲ و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از کاجوب، ۲۰۰۳) افسردگی، روان‌رنجورخویی^۳، استرس (داودا و هارت^۴، ۲۰۰۰؛ به نقل از کاجوب، ۲۰۰۳) و نیز رفتارهای مسأله‌ساز بیرونی^۵ شده، کاهش پیشرفت تحصیلی (بار-آن، ۱۹۹۷؛ به نقل از کاجوب، ۲۰۰۳) مصرف الکل و مواد مخدر (ترینیداد و جانسون، ۲۰۰۲؛ به نقل از کاجوب، ۲۰۰۳)، انحراف جنسی (تیدمارش^۶ و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از کاجوب، ۲۰۰۳)، تخریب‌داری، دزدی (کاجوب، ۲۰۰۳) و پرخاشگری (کیوبمن و روزل^۷، ۲۰۰۲) همراه می‌باشد.

مطالعه خجسته‌مهر (۱۳۷۰) نشان داده است که افراد نابینا با مشکلات سازشی به مراتب بیشتری مواجه هستند، انعطاف‌ناپذیرند و از لحاظ سازگاری عاطفی، اجتماعی، بهداشتی و جنسی با مشکلات بیشتری مواجه می‌باشند. در این پژوهش به نقل از کورژالز^۸ (۱۹۷۰) بیان می‌شود که چون کودکان نابینا تصاویر ذهنی خود را از طریق لمس کردن درک می‌کنند، بنابراین آهنگ خودشکوفایی در آنان بسیار کند و پایین‌تر است. علی‌پور صنوبری (۱۳۷۶) در مطالعه‌ی در زمینه‌ی نابینایی به این نتیجه رسید که نوجوانان نابینا به مقدار زیادی به پدر و مادر وابسته هستند و دلیل این وابستگی نیز حمایت والدین می‌باشد. برخورد خانواده‌ها با نوجوانان نابینا متعادل نبوده و این عدم تعادل منشأ رفتارهای ناشایست، نگرانی‌ها و اضطراب‌های زیادی برای آنها می‌گردد. نوجوانان نابینا در زمینه‌ی مسائل اقتصادی با ناامنی و نگرانی‌های زیادی روبرو هستند و به دلایل زیادی از جمله ناآگاهی و عدم توجه خانواده به استقلال‌طلبی آنان و همچنین مشکلات اجتماعی-اقتصادی، عدم توازن ازدواج، نداشتن کار در زمینه کسب استقلال اجتماعی با مشکلات زیادی مواجه هستند. پژوهش امامی (۱۳۷۶) حاکی از خودپنداره ضعیف‌تر و عزت‌نفس پایین‌تر افراد دچار نقص بینایی نسبت به افراد بینا می‌باشد. بین عزت‌نفس و ابراز وجود نیز رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. زمانی که عزت‌نفس

-
- 1- Alexithymia
 - 2- Parcker
 - 3- neuroticism
 - 4- Dawda & Hart
 - 5- external problematic behaviors
 - 6- Tidmarsh
 - 7- Quebbman & Rozell
 - 8- Kurzahls

آسیب دیده باشد، فرد قدرت ابراز وجود را نیز از دست می‌دهد و در نتیجه به تدریج جایگاهش را در اجتماع از دست می‌دهد (کاکاوند، ۱۳۸۱؛ به نقل از نوزاد، ۱۳۸۵).

نتیجه‌ی پژوهش شهیم (۱۳۸۱) نشان داده است که معلمان فراوان‌ترین مشکلات نابینایان را بی‌قراری، حواس‌پرتی، قلدری، دعوا کردن، قطع مکالمه، عصبانیت و لیج کردن و ضعف در کنترل خشم، انتقاد پسندیده، مصالحه در مجادله، تعریف مناسب از خود و دیگران، گذراندن مناسب اوقات فراغت، عکس‌العمل مناسب در مقابل رفتار غیرمنصفانه و کمک به همسالان در انجام تکالیف و نادیده گرفتن سر و صدا گزارش کرده‌اند. نتیجه‌ی مطالعه‌ی نلسون^۱ (۲۰۰۹) نیز حاکی از آن است دانش‌آموزان بینا در شرایط عاطفی مثبت احساس همدلی و ترحم بهتری را نشان می‌دهند. مهدی‌زادگان (۱۳۷۶) طی مطالعه‌ی نشان داده که نابینایان دارای افسردگی خفیف می‌باشند.

به نظر تعدادی از متخصصان در برخی از مواقع افراد مبتلا به نقص بینایی^۲ از طرف افراد عادی مورد قبول قرار نمی‌گیرند و همین امر باعث می‌شود که برخی از آنها در کسب تعدادی از مهارت‌های اجتماعی^۳ نظیر نشان دادن حالات چهره‌ی مناسب دچار اشکال گردند (هالاهاان و کافمن، ترجمه‌ی ماهر، ۱۳۷۸). مطالعه‌ی بیابانگرد (۱۳۸۴) نشان داد که مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نابینا و ناشنوا پایین‌تر از دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان ناشنوا پایین‌تر از نابینا است.

نوربخش (۱۳۵۷) در پژوهش خود نشان داد که نابینایان به دلیل برخوردهای ناسنجیده جامعه و اطرافیان و در مهارت‌های اجتماعی، سازشی و تشخیصی مشکلات بیش‌تری را تجربه می‌کنند. نتیجه‌ی مطالعه‌های میهان^۴ (۱۹۷۱)، جرویس^۵ (۱۹۷۹) و پارسون^۶ (۱۹۸۷) که بر روی خودپنداره و عزت‌نفس دانش‌آموزان نابینا انجام شده است، نشان می‌دهد که نابینایان نسبت به آینده‌ی خود بیمناک‌ترند، احساس توانایی کمتری در فرونشاندن خشم و پرخاشگری خود

-
- 1- Nelson
 - 2- visual impairment
 - 3- social skills
 - 4- Mihan
 - 5- Jerowis
 - 6- Parson

دارند، دارای نگرش منفی نسبت به خود هستند. نابینایان تصور می‌کنند افراد عادی دارای عملکردی به مراتب بهتر از آنها هستند که این امر نهایتاً بر خودپنداره و عزت‌نفس آنان تأثیر منفی دارد و موجب می‌شود نابینا نتواند هویت موفق را در خود رشد دهد (به نقل از مستعلمی، حسینیان و یزدی، ۱۳۸۴). نتیجه‌ی مطالعه‌های پزشکی (۱۳۸۴) هم نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دو گروه (دختران کم بینا و دختران بینا) در چهار مؤلفه‌ی هوش هیجانی (حل مسأله، روابط بین فردی، تحمل فشار روانی و کنترل تکانه) وجود ندارد.

از آنجا که محرومیت حسی به ویژه نابینایی یک حالت پایدار در طول زندگی فرد است و از طرف دیگر طبق تحقیقات به عمل آمده، تأیید شده است که هوش هیجانی بر خلاف هوش شناختی اکتسابی می‌باشد، همچنین با توجه به مطالعه‌های فوق، مبنی بر ارتباط هوش هیجانی با مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس، خودپنداره، سازگاری با مسایل جدید و روزانه، برون‌گرایی، همدلی، انعطاف‌پذیری، استقلال طلبی، توانایی هماهنگ نمودن احساسات، افسردگی و اضطراب، چنین فرض می‌شود که بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان نابینا و بینا تفاوت وجود دارد.

روش

تحقیق حاضر از نوع علی-مقایسه‌ی می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان نابینا و بینای پسر و دختر در دامنه‌ی سنی ۱۳-۲۰ ساله بود که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل در مدارس راهنمایی و دبیرستان شهر اردبیل بودند. تعداد ۶۰ نفر (۳۰ پسر و ۳۰ دختر) از بین دانش‌آموزان نابینا به عنوان گروه مورد مطالعه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و ۶۰ نفر (۳۰ پسر و ۳۰ دختر) نیز از بین دانش‌آموزان بینا به عنوان گروه مقایسه از طریق همتاسازی انتخاب شدند. بدین صورت که ۶۰ دانش‌آموز بینا از لحاظ ویژگی‌هایی نظیر سن، جنس، سطح تحصیلات، رشته‌ی تحصیلی، تحصیلات والدین و محل سکونت با دانش‌آموزان نابینا جور شدند.

ابزار پژوهش

ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌ی هوش هیجانی بار-آن (EQ-I) می‌باشد. آزمون هوش هیجانی بار-آن در سال ۱۹۸۰ با طرح این سؤال که چرا

بعضی مردم نسبت به بعضی دیگر در زندگی موفق‌ترند آغاز گردید. این آزمون دارای ۱۱۷ سؤال و ۱۵ مقیاس می‌باشد که توسط بار- آن بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور اجرا و به طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید. در این پرسشنامه پاسخ‌های آزمودنی نیز بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تاحدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. مقیاس‌های آزمون عبارتند از: خودآگاهی هیجانی، خودابرازی، عزت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسأله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش‌بینی و شادمانی. در این پژوهش از نسخه‌ی هنجاریابی شده پرسشنامه‌ی هوش هیجانی بار- آن که توسط سموعی و همکاران (۱۳۸۵) که متناسب با فرهنگ و جامعه‌ی ایرانی تهیه شده است، استفاده شده است. در نسخه‌ی هنجاریابی شده، پس از انجام برخی تغییرها در متن اصلی پرسشنامه، حذف یا تغییر بعضی سؤال‌ها و تنظیم مجدد سؤال‌های هر مقیاس، پرسشنامه از ۱۱۷ سؤال به ۹۰ سؤال تقلیل یافته است. هنگام هنجاریابی، پایایی آزمون از طریق محاسبه‌ی آلفای کرونباخ برای دانشجویان پسر ۰/۷۴، برای دانشجویان دختر ۰/۶۸ و برای کل افراد ۰/۹۳ محاسبه گردید. پایایی آزمون در روش دو نیمه کردن برای دانشجویان پسر ۰/۶۶، برای دانشجویان دختر ۰/۵۷ و برای کل افراد ۰/۷۸ محاسبه گردید. و در این پژوهش ضریب پایایی به روش بازآزمایی ۰/۶۸ گزارش گردیده است. با اجرای پرسشنامه بهره هیجانی یک نمره کلی بهره هیجانی، ۵ نمره مقیاس ترکیبی و ۱۵ نمره خرده مقیاس به دست می‌آید. در پژوهش دهشیری (۱۳۸۲) با روش بازآزمایی میانگین ضرایب پایایی برای ۱۵ خرده مقیاس (EQ-I) بعد از یک ماه برابر ۰/۷۳ بود که می‌توان گفت در مورد جمعیت ایرانی از پایایی قابل قبولی برخوردار است. در تحقیق دیگر دژکام پایایی پرسشنامه‌ی بار- آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۲ به دست آورد و در تحقیق دیگری صالحی پایایی پرسشنامه‌ی بار- آن را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ برآورد کرده است (به نقل از پزشکی، ۱۳۸۴).

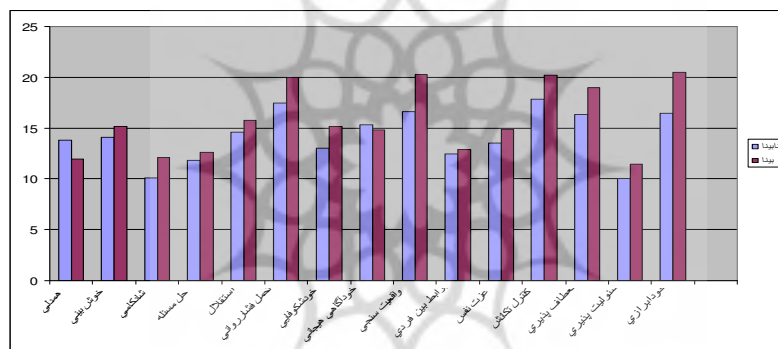
روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات ابتدا نمونه‌ی به تعداد ۶۰ نفر (۳۰ پسر، ۳۰ دختر) از گروه‌های نابینا و بینا انتخاب شدند و سپس مواد پرسشنامه‌ها برای دانش‌آموزان نابینا

و بینا از طریق کاست به صورت انفرادی در محل تحصیل ارایه شد و از آنها خواسته شد که به دقت سؤالات را گوش داده و پاسخ‌های مورد نظر را متناسب با ویژگی‌های خود انتخاب کنند که این انتخاب توسط آزمون‌گر ثبت می‌شد. همچنین برای جلوگیری از سوگیری، چشم‌های دانش‌آموزان بینا با هدبند (چشم‌پوش) پوشانده شد. نهایتاً داده‌های جمع‌آوری شده، به کمک تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های مطالعه با توجه به نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد که میانگین دانش‌آموزان بینا در برخی مؤلفه‌های هوش هیجانی از میانگین دانش‌آموزان نابینا بیشتر و در برخی از آنها کمتر می‌باشد.



نمودار ۱. مقایسه‌ی میانگین‌های دو گروه نابینا و بینا در ۱۵ مؤلفه‌ی هوش هیجانی بار_ آن

جدول ۱. نتیجه‌ی آزمون‌های چندگانه در مورد گروه‌ها (تحلیل واریانس چند متغیری)

تأثیر	مقدار	F	فرضیه df	خطای درجه آزادی	معنی‌داری
اثر پیلایی	۰/۹۸۶	۴۹۷/۱۳	۱۵/۰۰۰	۱۰۴/۰۰۰	./۰۰۰
لامبدای ویلکز	۰/۰۱۴	۴۹۷/۱۳	۱۵/۰۰۰	۱۰۴/۰۰۰	./۰۰۰
اثر هاتلینگ	۷۱/۷۰۱	۴۹۷/۱۳	۱۵/۰۰۰	۱۰۴/۰۰۰	./۰۰۰
رویز	۷۱/۷۰۱	۴۹۷/۱۳	۱۵/۰۰۰	۱۰۴/۰۰۰	./۰۰۰
گروه اثر پیلایی	./۴۸۶	۶/۵۶	۱۵/۰۰۰	۱۰۴/۰۰۰	./۰۰۰
لامبدای ویلکز	./۵۱۴	۶/۵۶	۱۵/۰۰۰	۱۰۴/۰۰۰	./۰۰۰
اثر هاتلینگ	./۹۴۷	۶/۵۶	۱۵/۰۰۰	۱۰۴/۰۰۰	./۰۰۰
رویز	./۹۴۷	۶/۵۶	۱۵/۰۰۰	۱۰۴/۰۰۰	./۰۰۰

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و نتیجه‌های تحلیل واریانس چند متغیری دو گروه دانش‌آموزان نابینا و بینا در مؤلفه‌های هوش هیجانی

مؤلفه‌های هوش هیجانی	گروه‌ها	تعداد نمونه	میانگین	SD	df	میانگین مجذورات	F	Sig																																																																																																																																																																																	
همدلی	نابینا	۶۰	۱۳/۸۳	۳/۱۸	۱	۱۱۲/۱۳	۱۰/۴۷	۰/۰۰۲																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۱/۹۹	۳/۳۵					خوش بینی	نابینا	۶۰	۱۴/۰۸	۳/۵۱	۱	۳۶/۳۰	۴/۲۰	۰/۰۴۳	بینا	۶۰	۱۵/۱۸	۲/۲۱	شادکامی	نابینا	۶۰	۱۰/۱۲	۵/۰۶	۱	.۳۰	۴/۳۵	۰/۰۴۲	بینا	۶۰	۱۲/۰۸	۳/۷۰	حل مسئله	نابینا	۶۰	۱۱/۸۳	۳/۵۹	۱	۱۸/۴۰	۱/۷۲	۰/۱۹۲	بینا	۶۰	۱۲/۶۱	۲/۹۱	استقلال	نابینا	۶۰	۱۴/۵۸	۳/۲۴	۱	۴۳/۲۰	۴/۶۹	۰/۰۳۲	بینا	۶۰	۱۵/۷۸	۲/۸۱	تحمل فشار روانی	نابینا	۶۰	۱۷/۴۵	۳/۷۹	۱	۱۹۰/۰۰	۱۳/۵۱	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۹/۹۶	۳/۷۰	خودشکوفایی	نابینا	۶۰	۱۳/۰۶	۳/۹۵	۱	۱۳۶/۵۳	۹/۹۹	۰/۰۰۲	بینا	۶۰	۱۵/۲۰	۳/۴۱	خودآگاهی هیجانی	نابینا	۶۰	۱۵/۳۵	۳/۱۵	۱	۷/۰۰	.۹۸	۰/۳۲۲	بینا	۶۰	۱۴/۸۶	۲/۰۶	واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶	روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷
خوش بینی	نابینا	۶۰	۱۴/۰۸	۳/۵۱	۱	۳۶/۳۰	۴/۲۰	۰/۰۴۳																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۵/۱۸	۲/۲۱					شادکامی	نابینا	۶۰	۱۰/۱۲	۵/۰۶	۱	.۳۰	۴/۳۵	۰/۰۴۲	بینا	۶۰	۱۲/۰۸	۳/۷۰	حل مسئله	نابینا	۶۰	۱۱/۸۳	۳/۵۹	۱	۱۸/۴۰	۱/۷۲	۰/۱۹۲	بینا	۶۰	۱۲/۶۱	۲/۹۱	استقلال	نابینا	۶۰	۱۴/۵۸	۳/۲۴	۱	۴۳/۲۰	۴/۶۹	۰/۰۳۲	بینا	۶۰	۱۵/۷۸	۲/۸۱	تحمل فشار روانی	نابینا	۶۰	۱۷/۴۵	۳/۷۹	۱	۱۹۰/۰۰	۱۳/۵۱	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۹/۹۶	۳/۷۰	خودشکوفایی	نابینا	۶۰	۱۳/۰۶	۳/۹۵	۱	۱۳۶/۵۳	۹/۹۹	۰/۰۰۲	بینا	۶۰	۱۵/۲۰	۳/۴۱	خودآگاهی هیجانی	نابینا	۶۰	۱۵/۳۵	۳/۱۵	۱	۷/۰۰	.۹۸	۰/۳۲۲	بینا	۶۰	۱۴/۸۶	۲/۰۶	واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶	روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷								
شادکامی	نابینا	۶۰	۱۰/۱۲	۵/۰۶	۱	.۳۰	۴/۳۵	۰/۰۴۲																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۲/۰۸	۳/۷۰					حل مسئله	نابینا	۶۰	۱۱/۸۳	۳/۵۹	۱	۱۸/۴۰	۱/۷۲	۰/۱۹۲	بینا	۶۰	۱۲/۶۱	۲/۹۱	استقلال	نابینا	۶۰	۱۴/۵۸	۳/۲۴	۱	۴۳/۲۰	۴/۶۹	۰/۰۳۲	بینا	۶۰	۱۵/۷۸	۲/۸۱	تحمل فشار روانی	نابینا	۶۰	۱۷/۴۵	۳/۷۹	۱	۱۹۰/۰۰	۱۳/۵۱	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۹/۹۶	۳/۷۰	خودشکوفایی	نابینا	۶۰	۱۳/۰۶	۳/۹۵	۱	۱۳۶/۵۳	۹/۹۹	۰/۰۰۲	بینا	۶۰	۱۵/۲۰	۳/۴۱	خودآگاهی هیجانی	نابینا	۶۰	۱۵/۳۵	۳/۱۵	۱	۷/۰۰	.۹۸	۰/۳۲۲	بینا	۶۰	۱۴/۸۶	۲/۰۶	واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶	روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																					
حل مسئله	نابینا	۶۰	۱۱/۸۳	۳/۵۹	۱	۱۸/۴۰	۱/۷۲	۰/۱۹۲																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۲/۶۱	۲/۹۱					استقلال	نابینا	۶۰	۱۴/۵۸	۳/۲۴	۱	۴۳/۲۰	۴/۶۹	۰/۰۳۲	بینا	۶۰	۱۵/۷۸	۲/۸۱	تحمل فشار روانی	نابینا	۶۰	۱۷/۴۵	۳/۷۹	۱	۱۹۰/۰۰	۱۳/۵۱	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۹/۹۶	۳/۷۰	خودشکوفایی	نابینا	۶۰	۱۳/۰۶	۳/۹۵	۱	۱۳۶/۵۳	۹/۹۹	۰/۰۰۲	بینا	۶۰	۱۵/۲۰	۳/۴۱	خودآگاهی هیجانی	نابینا	۶۰	۱۵/۳۵	۳/۱۵	۱	۷/۰۰	.۹۸	۰/۳۲۲	بینا	۶۰	۱۴/۸۶	۲/۰۶	واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶	روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																		
استقلال	نابینا	۶۰	۱۴/۵۸	۳/۲۴	۱	۴۳/۲۰	۴/۶۹	۰/۰۳۲																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۵/۷۸	۲/۸۱					تحمل فشار روانی	نابینا	۶۰	۱۷/۴۵	۳/۷۹	۱	۱۹۰/۰۰	۱۳/۵۱	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۹/۹۶	۳/۷۰	خودشکوفایی	نابینا	۶۰	۱۳/۰۶	۳/۹۵	۱	۱۳۶/۵۳	۹/۹۹	۰/۰۰۲	بینا	۶۰	۱۵/۲۰	۳/۴۱	خودآگاهی هیجانی	نابینا	۶۰	۱۵/۳۵	۳/۱۵	۱	۷/۰۰	.۹۸	۰/۳۲۲	بینا	۶۰	۱۴/۸۶	۲/۰۶	واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶	روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																															
تحمل فشار روانی	نابینا	۶۰	۱۷/۴۵	۳/۷۹	۱	۱۹۰/۰۰	۱۳/۵۱	۰/۰۰۱																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۹/۹۶	۳/۷۰					خودشکوفایی	نابینا	۶۰	۱۳/۰۶	۳/۹۵	۱	۱۳۶/۵۳	۹/۹۹	۰/۰۰۲	بینا	۶۰	۱۵/۲۰	۳/۴۱	خودآگاهی هیجانی	نابینا	۶۰	۱۵/۳۵	۳/۱۵	۱	۷/۰۰	.۹۸	۰/۳۲۲	بینا	۶۰	۱۴/۸۶	۲/۰۶	واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶	روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																												
خودشکوفایی	نابینا	۶۰	۱۳/۰۶	۳/۹۵	۱	۱۳۶/۵۳	۹/۹۹	۰/۰۰۲																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۵/۲۰	۳/۴۱					خودآگاهی هیجانی	نابینا	۶۰	۱۵/۳۵	۳/۱۵	۱	۷/۰۰	.۹۸	۰/۳۲۲	بینا	۶۰	۱۴/۸۶	۲/۰۶	واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶	روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																									
خودآگاهی هیجانی	نابینا	۶۰	۱۵/۳۵	۳/۱۵	۱	۷/۰۰	.۹۸	۰/۳۲۲																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۴/۸۶	۲/۰۶					واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶	روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																																						
واقع‌گرایی	نابینا	۶۰	۱۶/۶۰	۴/۱۲	۱	۴۱۰/۷۰	۲۹/۶۴	۰/۰۰۱																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۲۰/۳۰	۳/۲۶					روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲	عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																																																			
روابط بین فردی	نابینا	۶۰	۱۲/۴۸	۴/۰۶	۱	۵/۲۰	.۴۳	۰/۵۱۱																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۲/۹۰	۲/۷۲					عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵	کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																																																																
عزت نفس	نابینا	۶۰	۱۳/۵۵	۲/۱۵	۱	۵۷/۴۰	۷/۵۷	۰/۰۰۷																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۴/۹۳	۲/۷۵					کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱	انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																																																																													
کنترل تکانش	نابینا	۶۰	۱۷/۸۵	۵/۵۷	۱	۱۷۰/۴۰	۶/۲۷	۰/۰۱۴																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۲۰/۲۳	۴/۸۱					انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸	مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																																																																																										
انعطاف پذیری	نابینا	۶۰	۱۶/۳۱	۳/۸۲	۱	۲۰۸/۰۳	۱۳/۹۸	۰/۰۰۱																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۸/۹۵	۳/۸۸					مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲	خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																																																																																																							
مسئولیت پذیری	نابینا	۶۰	۱۰/۰۵	۳/۶۴	۱	۵۸/۸۰	۵/۱۱	۰/۰۲۶																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۱۱/۴۵	۳/۱۲					خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																																																																																																																				
خودابرازی	نابینا	۶۰	۱۶/۵۰	۳/۳۴	۱	۴۸۴/۰۰	۳۹/۱۷	۰/۰۰۱																																																																																																																																																																																	
	بینا	۶۰	۲۰/۵۱	۳/۶۷																																																																																																																																																																																					

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در آزمون اثر پیلایی $\text{value} = 0 = /486$ ، $F = 6/56$ بوده و در سطح معنی‌دار قرار دارد. طبق آزمون‌های چهارگانه 0.48 واریانس نمره‌ها

متغیرهای وابسته ناشی از تفاوت‌های گروهی است. بنابراین بین دو گروه حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

همچنین نتیجه‌ی تحلیل واریانس چند متغیری در جدول ۲ نشان می‌دهد که بین دو گروه دانش‌آموزان بینا و نابینا در مؤلفه‌های عزت‌نفس ($F=7/57, P=0/007$)، انعطاف‌پذیری ($F=13/98, P=0/001$)، مسئولیت‌پذیری ($F=5/11, P=0/026$)، خوددرازی ($P<0/001, F=29/64$)، کنترل تکانش ($F=6/27, P=0/014$)، واقع‌گرایی ($F=29/64, P<0/001$)، خودشکوفایی ($F=9/99, P=0/002$)، تحمل فشار روانی ($F=13/51, P<0/001$)، استقلال ($F=4/35, P=0/042$)، خوش‌بینی ($F=4/20, P=0/043$)، شادکامی ($F=4/35, P=0/042$)، همدلی ($F=10/47, P=0/002$) هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد، بدین معنی که میانگین دانش‌آموزان نابینا در مؤلفه‌های مذکور پایین‌تر از افراد بینا می‌باشد. اما در مؤلفه‌های روابط بین فردی ($F=0/43$)، خودآگاهی هیجانی ($F=0/98$) و حل مسأله ($F=1/72$) هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه‌ی این مطالعه حاکی از آن است که بین بیشتر مؤلفه‌های هوش هیجانی دانش‌آموزان بینا و نابینا تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این تفاوت در هوش هیجانی می‌تواند در توانایی درک، توصیف، دریافت و کنترل هیجان دانش‌آموزان نابینا تأثیر به‌سزایی داشته باشد. همان طوری که پتریدز و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود دریافتند دانش‌آموزانی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند، رفتارهای انحرافی، گریز از مدرسه و اخراج از مدرسه در آنها کمتر دیده می‌شود. این پژوهشگران هوش هیجانی را در حکم یک متغیر میانجی دانسته و معتقدند دانش‌آموزان با هوش هیجانی بالا به صورت مؤثرتر و بهتر با استرس‌های هیجانی و اضطراب رو به رو می‌شوند و نیز از عملکرد تحصیلی بالاتری برخوردار می‌باشند.

نتیجه‌ی این پژوهش در رابطه با عزت‌نفس نابینایان با نتیجه‌های برخی مطالعه‌ها مانند امامی (۱۳۷۶) که نشان داده‌اند نابینایان از خودپنداره و عزت‌نفس پایین‌تری نسبت به افراد بینا برخوردارند، همخوانی دارد. عدم اعتماد به نفس آنها می‌تواند ناشی از عدم ارتباط کافی با افراد

بینا و طرز تلقی بینایان در برابر نابینایی باشد. همچنین در مؤلفه خودابرازی یافته این پژوهش با مطالعه (کاکاوند، ۱۳۸۵؛ به نقل از نوزاد، ۱۳۸۵) مبنی بر این که، افراد نابینا زمانی که عزت‌نفس‌شان آسیب دیده باشد، قدرت ابراز وجود را از دست می‌دهند، هماهنگ است. همچنین با نتیجه‌ی مطالعه‌ی هالاها و کافمن (ترجمه ماهر، ۱۳۷۸) که نشان داده است برخی از نابینایان در کسب تعدادی از مهارت‌های اجتماعی^۱ نظیر نشان دادن حالات چهره مناسب دچار اشکال هستند، همخوانی دارد. در زمینه‌ی کنترل تکانش با نتیجه‌ی برخی مطالعه‌ها (جرویس، ۱۹۷۹، پارسون ۱۹۸۷ و میهان^۲، ۱۹۷۱، به نقل از مستعلمی و همکاران، ۱۳۸۴) که نشان داده‌اند، نابینایان احساس توانایی کمتری در فرونشاندن خشم و پرخاشگری خود دارند، همخوانی دارد. در ارتباط با مؤلفه‌ی انعطاف‌پذیری نیز نتیجه‌ی این پژوهش با مطالعه‌ی خجسته‌مهر (۱۳۷۰) همخوانی دارد، که نشان داده است افراد نابینا با مشکلات سازشی به مراتب بیشتری مواجه هستند، انعطاف‌ناپذیرند و از لحاظ سازگاری عاطفی، اجتماعی، بهداشتی و جنسی با مشکلات بیشتری مواجه می‌باشند. همچنین یافته‌ی این پژوهش در زمینه‌ی خودشکوفایی با یافته‌ی کورژالز (۱۹۷۰) که نشان می‌دهد، کودکان نابینا آهنگ خودشکوفایی بسیار کند و پایین‌تری نسبت به افراد بینا دارند، همخوانی دارد (به نقل از خجسته‌مهر، ۱۳۷۰). یافته‌ی این پژوهش در زمینه‌ی استقلال و مسئولیت‌پذیری نابینایان با مطالعه‌ی علی‌پور صنوبری (۱۳۷۶) مبنی بر این که نوجوانان نابینا در زمینه‌ی مسائل اقتصادی با ناامنی و نگرانی‌های زیادی روبرو هستند و به دلایل زیادی از جمله ناآگاهی و عدم توجه خانواده به استقلال‌طلبی آنان و همچنین مشکلات اجتماعی اقتصادی، عدم توازن ازدواج، نداشتن کار در زمینه‌ی کسب استقلال اجتماعی با مشکلات زیادی مواجه هستند، همخوانی دارد. در زمینه‌ی خوش‌بینی و شادکامی نتیجه‌ی پژوهش حاضر با یافته‌های مهدی‌زادگان (۱۳۷۶)، که نوعی افسردگی را در نابینایان نشان دادند همخوانی دارد. از آنجا که شادکامی و خوش‌بینی از مؤلفه‌های خلق کلی هوش هیجانی می‌باشند و از طرف دیگر به دلیل این که دانش‌آموزان نابینا نسبت به دانش‌آموزان بینا از خلق مثبت پایینی برخوردارند، بنابراین دانش‌آموزان نابینا از

-
- 1- social skills
 - 2- Mihan

شادکامی و خوش‌بینی (از مؤلفه‌های هوش هیجانی) به مراتب ضعیف‌تری برخوردار خواهند شد. درباره‌ی مؤلفه‌ی همدلی و واقع‌گرایی نیز یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعه‌های نلسون (۲۰۰۹)، شهیم (۱۳۸۱) و بیابانگرد (۱۳۸۴) همخوانی دارد. به طور کلی می‌توان چنین تبیین کرد از آنجا که بین خلقی عاطفی مثبت و همدلی رابطه‌ی مثبت معنی‌داری وجود دارد و از طرف دیگر به دلیل این که افراد نابینا نسبت به افراد بینا، از خلق عاطفی ضعیفی برخوردارند، بنابراین از همدلی پایینی نیز برخوردار خواهند بود. تبیین دیگر این که افراد نابینا به دلیل نقایص جسمی و محرومیت‌های ناشی از آن اغلب قادر به ایجاد ارتباط اجتماعی و همدلی متقابل با همسالان و بزرگسالان و به فهم کامل توضیحات اطرافیان و مربیان نیستند و نمی‌توانند نیازهای خود را بیان کنند و در سازگاری عاطفی و اجتماعی با مشکلات بیشتری نسبت به افراد بینا روبرو می‌شوند. همچنین نتیجه‌ی این مطالعه در زمینه‌ی دو مؤلفه‌ی حل مسأله و خودآگاهی هیجانی که تفاوت معنی‌دار نبود، با مطالعه‌ی پزشکی (۱۳۸۴) همخوانی دارد. به طور کلی نقص حسی به ویژه اختلال بینایی شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد به طوری که به علت نقصی که افراد نابینا دارند، احتمالاً در اکتساب هوش هیجانی دچار مشکل شده یا نسبت به همسالان خود با تأخیر مواجه می‌شوند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله، به دلیل اینکه پرسشنامه‌ها در هر دو گروه دانش‌آموزان نابینا و بینا به صورت انفرادی و از طریق کاست اجرا گردید، حضور محقق و سایر عامل‌ها می‌توانست از صداقت پاسخ‌گویی آزمودنی‌ها تا حدودی بکاهد. از طرف دیگر پیشنهاد می‌گردد با توجه به اکتسابی بودن هوش هیجانی، مؤلفه‌های هوش هیجانی با استفاده از راهبردها و مدل‌های مناسب برای دانش‌آموزان نابینا آموزش داده شود.

این مطالعه با حمایت مدیریت آموزش و پرورش استثنایی و با همکاری دانش‌آموزان نابینا صورت گرفته است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از همکاری آنها تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

فارسی

- امامی، سوزان (۱۳۷۶). بررسی و مقایسه میزان عزت‌نفس دانش‌آموزان عادی و نابینای ۱۰-۱۲ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نابینا و ناشنوا دختر دبیرستانی شهر تهران. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. سال پنجم. شماره ۱. ص ۱.
- پزشکی، بهناز (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه هوش هیجانی دختران کم‌بینا و نابینا در مقطع دبیرستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- تهامی منفرد، شراره، علیایی زند، شهین و یوسفی لویه، مجید (۱۳۸۱). بررسی رابطه هوش هیجانی و راهبردهای رویارویی در دانش‌آموزان عادی و تیزهوش دبیرستان‌های شهر تهران. مقاله ارائه شده به اولین همایش ملی استعداد‌های درخشان، شیراز.
- خجسته‌مهر، غلامرضا (۱۳۷۰). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان نابینا و بینا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی تهران.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۲). هنجاریابی پرسشنامه بهره هیجانی بار-آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران و بررسی ساختار عاملی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- سموعی، راحله (۱۳۸۵). ترجمه و هنجاریابی آزمون هوش هیجانی. مؤسسه تحقیقاتی علوم رفتاری سینا (روان تجهیز).
- شهیم، سیما (۱۳۸۱). بررسی مهارت اجتماعی در گروهی از دانش‌آموزان نابینا از نظر معلمان. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی. سال سی و دوم. شماره ۱. ص ۱۳۹-۱۲۱.
- عباسی، حشمت‌اله (۱۳۷۷). بررسی و مقایسه رشد اجتماعی در نوجوانان ۱۳-۱۶ ساله نابینا، نیمه بینا و عادی شهر ری تهران و اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

علی‌پور صنوبری، علی (۱۳۷۶). اضطراب و سازگاری اجتماعی در نوجوانان نابینای پسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند.

مستعلمی، فروزان، حسینیان، سیمین و یزدی، منور (۱۳۸۴). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش اعتماد به نفس دختران نابینای شهر تهران. *مجله پژوهش در حیطه کودکان/استثنایی*. سال پنجم. شماره چهار. ص ۴۵۰-۴۳۷.

مهدی‌زادگان، ایران و آتش‌پور، حمید (۱۳۷۶). *افسردگی در نابینایان*. خلاصه مقالات نخستین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران. تهران. ص ۱۱۴.

نوذری، قاسم (۱۳۷۴). مقایسه وضعیت بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان پسر ناشنوا و نابینای پایه پنجم شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

نوربخش، غلامرضا (۱۳۵۷). عوامل مؤثر درونی اجتماعی مؤثر بر وضعیت تحصیلی نابینایان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

نوزاد، نسیم (۱۳۸۵). *اثر بخشی آموزش ابراز وجود در میزان هراس اجتماعی و ابراز وجود افراد با نقص بینایی (کم بینا، نابینا)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.

هالان، دانیل و کافمن، جیمز. *روان‌شناسی کودکان استثنایی*، ترجمه فرهاد ماهر (۱۳۷۸). تهران. انتشارات رشد.

لاتین

Baird, S. M., Mayfield, P., & Barker, P. (1997). "mother' interpretation of the behavior of their infants with visual and other impairment during interaction" *Journal of Visual Impairment and Blindness*: sep-oct.

Bar-on, R. (1999). Bar-on emotional quotient inventory. toronto multi-health system, Inc. *Applied Radiation and Isotopes* 49 (5-6): 495-497.

Bar-on, R. (1999). The emotion Quotion Inventory (EQ-I): A test of emotional intelligence. Toronto. Canada. Mult: health systems.

- Boyatzis, E. (2002). *Developing Emotional Intelligence*. to be published in San Francisco: Jossey - Bass.
- Cruickshank, W. M. (1971). *Psychology of exceptional children and youth*. Prentice hall- inc.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. Newyork: Banton Book.
- Internet Sddress: [www.advanced communication. Com. Au/html](http://www.advancedcommunication.com/Au/html).
- Kaschub, M. (2003). Defining Emotinal Itelligence in Music Education. *Arts Education Policy Review*, 103, 5, 9-15.
- Mayer, J, D., Salovay, P., Caruso, D, R., Sitarenios, G. (2001). emotional intelligence as a standard intelligence. *Emotion*, 26 (1): 232-242.
- Nelson, D. W. (2009). Feeling good and open-minded: The impact of positive affect on cross cultural empathic responding. Department of Psychology, Winthrop University, Mineola, NY, United States *Journal of Positive Psychology*. 4, 1, 53-63.
- Obikoar, E, F. (2001). Developing Emotional intelligence in Learner with behaviorial problem., Wilson education abstracte.
- Petrides. K. V., Federieksin, N., & Furnham, A. (2004). The role of trait Emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and Undividual Differences*. 36: 277-293.
- Plato. (2003). Effwctive Education and the Role of Emotional Intelligence.
- Quebbeman, J., & Rozell, E. (2002). Emotional Intelligence and dispositionsl affectivity *Human Resource Management Review*. 12, 1, 125-143.
- Sjoberg, L. (2001). Emotional intelligence and life adjustment. Center fof Economic Psychology.
- Wong, C. S., & Law, S. (2002). The effect of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude. *The leadership Quartely*. 13, 3, 243-274.

Wong, C. S., & Law, S. (2002). The effect of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude. *The leadership Quartely*. 13, 3, 243-274.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی